در آستانه سالگرد زلزله بم ۶ زلزله مرگبار کشورمان را به روایت اعداد و ارقام مرور کرده‌ایم

مرگبارترین تکان‌های زمین در ایران

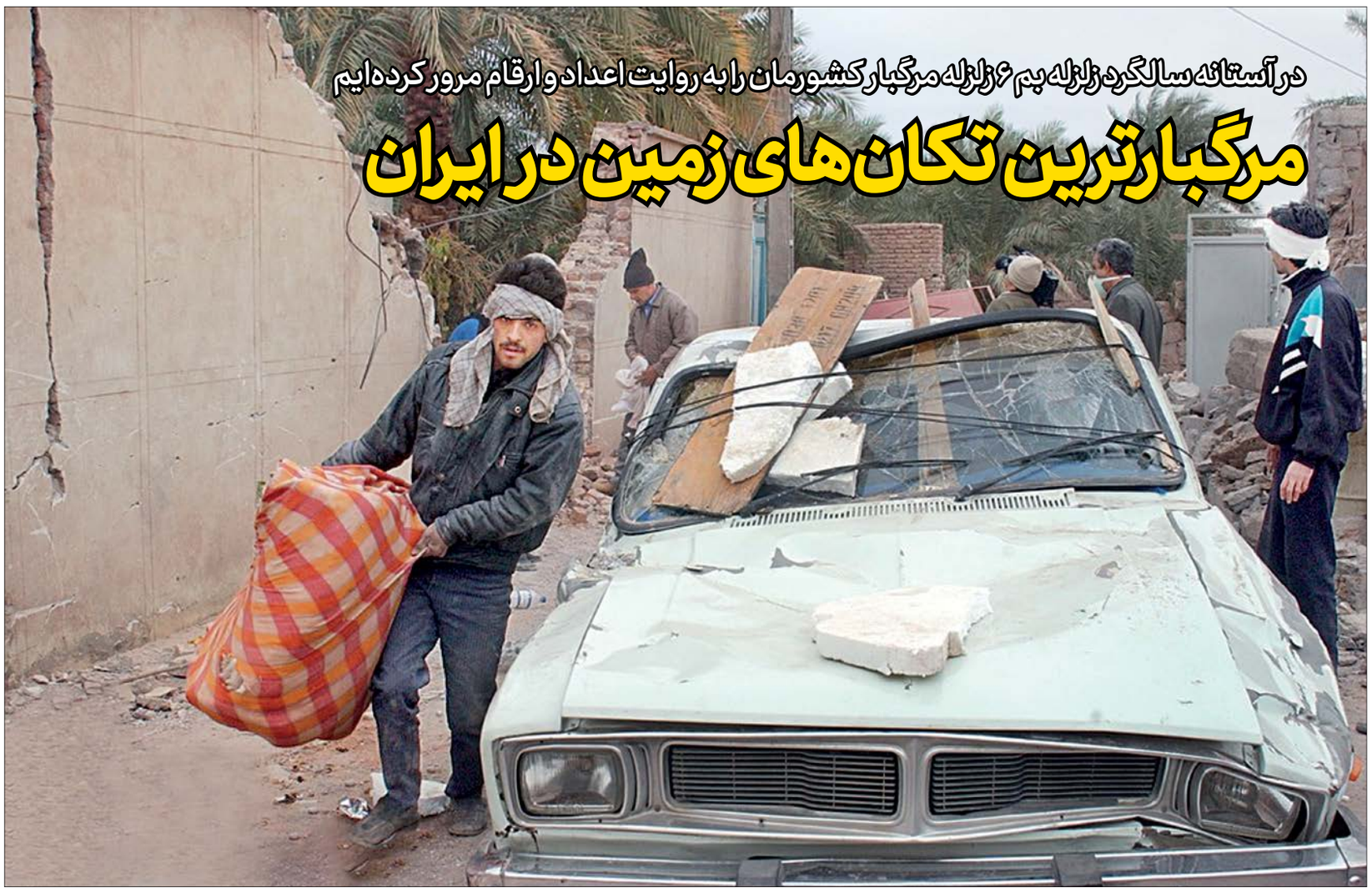

در زلزله بم ۹۰ درصد ساختمان‌های شهر صددرصد تخریب شد | عکس: ایرنا

میثم اسماعیلی
جامعه

خاطره تلخ بم فردا ۱۷ ساله می‌شود، خاطره جمعی میلیون‌ها ایرانی آن هم در روزگاری که مرگ مانند این روزها دم دست نبود، باعث شد نزدیک به ۲۷ هزار نفر تنها در چند ساعت جان عزیزشان را از دست بدهند. هر چند زلزله بم جزو یکی از مرگبارترین زلزله‌های تاریخ ایران بوده است اما تنهاترین شان نبود. قرارگیری فلات ایران بین شبه‌قاره هند و شبه‌جزیره عرب باعث برخورد مداوم این دو با لایه زیرین فلات ایران و البته به‌وجود آمدن صدها زمین‌لرزه می‌شود که هرساله ایران را می‌لرزاند. ایران روی یکی از دو کمربند زلزله‌خیز جهان قرار گرفته و همین است که حالا ۲۰ درصد زلزله‌های شدید جهان در ایران اتفاق می‌افتد و ایران در ۴۰ سال اخیر ۳۰ درصد زلزله‌های ویرانگر دنیا را تجربه کرده است. تاریخ صدسال اخیر ایران را هم که ورق بزنیم متوجه حجم بالای این زلزله‌ها می‌شویم. از زلزله مرگبار بهمن ۱۲۸۷ در دشت سیلاخور بگیرید که قدرت آن را ۷/۳ دهم ریشتر ثبت کرده‌اند تا همین ۱۷ سال پیش که زمین بم با قدرت ۶/۶ ریشتر لرزید و طبق آمار رسمی ۲۷ هزار نفر و بر اساس آمارهای غیررسمی نزدیک به ۵۰ هزار نفر را به کام مرگ کشاند تا سومین زلزله مرگبار تاریخ ایران را به نام خود ثبت کند. لرزه‌های گاه و بیگاه تهران هم همچنان کابوس زلزله پایتخت را برای ساکنان این شهر زنده نگه داشته است، زلزله را نمی‌توان پیش‌بینی کرد، اما کارشناسانی هستند که با داده‌کاوی‌های آماری برای توالی زلزله‌ها در تهران یک بازه ۱۵۰ ساله تعریف کرده‌اند، این‌که به‌طور میانگین هر ۱۵۰ سال یک بار تهران شاهد یک زلزله شدید بوده و حالا از آخرین زلزله شدید پایتخت ۲۰۰ سال می‌گذرد.

۱۲۸۷، بروجرد - ۷/۳ ریشتر

بهمن ماه ۱۱۰ سال پیش دشت سیلاخور ایران با قدرتی معادل ۷/۳ ریشتر لرزید. برای فهم ملموس‌تر قدرت تخریب این مقیاس فرمولی وجود دارد. طبق این فرمول میزان انرژی آزادشده این زلزله بدون در نظر گرفتن زمان آن معادل ۲۰۱ هزار تن تی‌ان‌تی است. در منابع موجود زمین‌لرزه بهمن ۱۲۸۷ دشت سیلاخور با نام رسمی زمین‌لرزه بروجرد ثبت شده است. داده‌های مستند کمی از آن زمین‌لرزه در دست است، اما همه آنچه حالا عنوان آمار رسمی را برخود دارد نشان می‌دهد این زلزله در ساعت ۶ بامداد روز سوم بهمن ۱۲۸۷ دره درب آستانه. سیلاخور. واقع در جنوب شرقی بروجرد را در هم کوبیده است. آسیب‌ها اما محدود به این منطقه نمانده و طبق آمارهای موجود طی این زمین‌لرزه ۱۲۸ روستا آسیب دیده که از بین آنها ۶۴ آبادی به کلی ویران شده‌اند. قدرت این زمین‌لرزه به‌طوری بوده که از کرمانشاه و همدان در ایران گرفته تا خرپوت کشور ترکیه و برخی شهرهای گرجستان و عراق هم آن را حس کرده‌اند. به گواه آمارها به‌واسطه این زلزله بین ۶۰۰۰ تا ۸۰۰۰ نفر جان باخته‌اند. هر چند از نگاه مرگ و میر این زمین‌لرزه در زمره زمین‌لرزه‌های سهمگین ایران قرار نمی‌گیرد، اما از منظر قدرت هنوز هم یکی از مهیب‌ترین‌های زمین‌لرزه‌های تاریخ ایران است.

۱۳۰۹، سلماس - ۷/۲ ریشتر

۱۶ اردیبهشت سال ۱۳۰۹ است. زلزله‌ای با قدرت ۵/۵ ریشتر شهر دیلمقان یا آن‌طور که حالا به نام سلماس می‌شناسند، می‌لرزاند. اما اتفاق اصلی فردای آن روز رقم خورد و این لرزه تنها هشداری بود برای فاجعه‌ای در راه. صبح روز ۱۷ اردیبهشت زمین این شهر با قدرتی معادل ۷/۲ ریشتر لرزید و براساس اسناد به‌جا مانده موجب تخریب صددرصدی ۶۰ روستا در دشت سلماس و حاشیه آن شد. از این زمین‌لرزه هنوز چند فریم عکس رنگ و رو رفته و سیاه و سفید موجود است، هر چند در همان چند عکس هم چیزی جز تلنبار آوار دیده نمی‌شود. با وجود گذشت ۹۰ سال از آن زمین‌لرزه مهیب هنوز این حادثه بخشی از خاطره تلخ جمعی اهالی آن بوم است. چرا که این زمین‌لرزه تنها در فاصله چند ثانیه باعث مرگ ۴۰۰۰ نفر از اهالی و تخریب کامل این شهر شد. پس از آرامش نسبی، اما شهری به فاصله یک‌کیلومتری از این حادثه پایه‌گذاری شد که امروزه آن را به نام سلماس می‌شناسیم. از ویرانه‌های دیلمقان امروزه چیزی باقی نمانده است، جز پایه دیوارهای مسجد آقامجیدی و سنگ‌های منشوری شکل ستون‌های مسجد که تنها یادگارهای زمین‌لرزه مهیب آن سال است.

۱۳۴۱، بویین‌زهرا - ۷/۲ ریشتر

هر چه پیشتر می‌آییم به‌دلیل گسترش شهرنشینی و بالا رفتن تراکم جمعیتی به تعداد کشته‌های زمین‌لرزه اضافه می‌شود. شهریور ۱۳۴۱ هم سالی است که ایران شاهد یکی از مهیب‌ترین زمین‌لرزه‌های تاریخش است. شبی که زمین بویین‌زهرا با قدرتی معادل ۷/۲ ریشتر لرزید تا یکی از بدترین و فاجعه‌بارترین حوادث طبیعی ثبت شده در تاریخ ایران را رقم بزند. دهم شهریور، دقایقی مانده به ساعت ۱۱ شب، گسل موسوم به ایپک فعال شد و زلزله‌ای را که شدت آن به ۷/۲ ریشتر می‌رسید، ایجاد کرد. شدت آن به حدی بود که در تبریز و یزد و بهبهان هم احساس شد، بر تراز آب دریای خزر تاثیر گذاشت و به مناطقی از شهر تهران هم آسیب‌هایی زد. این فاجعه جز ویران کردن شهر بویین‌زهرا، جان بیش از ۱۲ هزار نفر را گرفت (هرچند آمار دیگری هم هست که قربانیان را تا ۲۰ هزار نفر برآورد می‌کند) و چند هزار زخمی به جای گذاشت و چند ده هزار نفر را هم بی‌خانه کرد. همزمانی این حادثه با سال‌های بی‌ثبات اقتصادی و البته ضعف‌های فاحش مدیریتی باعث شد این حادثه بیش از مرگ و میر چند ده‌هزار نفری‌اش مردم این سرزمین را در سوگ فرو برد. شاید همین نکته باشد که بیش از آن‌که این زلزله تصویری از آوار و فقدان برای ذهنیت بصری ما به یاد آورد، نام آن گره خورده است به نام نامی جهان‌پهلوان تختی که یک‌تنه پیشتاز جمع‌آوری کمک‌های مردمی برای جبران بخشی از خسارت‌های وارده شد.

۱۳۵۷، طبس - ۷/۷ ریشتر

شهریور ۱۳۵۷ شهر طبس با خاک یکسان شد. برخی از منابع موجود شدت این زمین‌لرزه را ۷/۴ و در برخی دیگر از منابع شدت آن تا ۷/۷ ریشتر برآورد شده است، اما در همه منابع موجود اتفاق نظری در رابطه با زلزله طبس وجود دارد مبنی بر این‌که همه کارشناسان معتقدند زمین‌لرزه طبس قدرتمندترین زلزله‌ای است که تا به امروز در تاریخ ایران ثبت شده‌است.

این حادثه با گسل زمین‌لرزه‌ای به طول حدود ۸۰ کیلومتر و عمق حدود ۱۰ کیلومتر همراه بود. کشته‌های این زلزله را بین ۱۵ هزار تا ۲۵ هزار نفر اعلام کرده‌اند و این در حالی است که به علت شدت تخریب ساختمان‌ها و شدت بالای زلزله بسیاری از اجساد هرگز پیدا نشدند. حرف‌های بسیاری در رابطه با زلزله طبس وجود دارد، از مشاهده نور عجیبی پیش از وقوع زلزله در شهر گرفته تا رفتار عجیب برخی حیوانات و جانوران در این منطقه اما هر چه بود شدت تخریب زلزله سال ۵۷ به اندازه‌ای است که حالا با گذشت بیش از ۴۰ سال هیچ ساختمانی مربوط به پیش از زلزله در شهر طبس وجود ندارد.

۱۳۶۹، رودبار و منجیل - ۷/۴ ریشتر

زلزله هیچ‌وقت برای مردمان منطقه زلزله‌دیده تمام نمی‌شود. خاطره زلزله سال ۶۹ رودبار و منجیل هم از این قاعده مستثنا نیست. کودکان آن سال حالا میانسالانی هستند که هنوز با وحشت و غم از روزهای تابستان ۶۹ ایران یاد می‌کنند. بامداد ۳۱ خرداد ۱۳۶۹ زلزله‌ای با قدرت ۷/۴ ریشتر برخی از شهرهای استان گیلان را درگیر کرد به طوری که شهرهای رودبار، منجیل، لوشان و ۷۰۰ روستای اطراف را به نابودی کشاند و به ۳۰۰ روستا خسارت عمده وارد شد. در این زلزله بیش از ۳۵ هزار نفر کشته و ۵۰۰ هزار نفر بی‌خانمان شدند و صد هزار خانه خشتی نیز با خاک یکسان شد؛ زلزله‌ای که تا شعاع ۱۰۰ کیلومتری از مرکز زمین‌لرزه موجب خسارات جانی و مالی فراوان شد و ارتعاشات حاصل از امواج لرزه‌ای در استان‌های زنجان و گیلان و در بخش‌هایی از استان‌های آذربایجان‌شرقی، تهران، مرکزی، مازندران، سمنان، همدان و کردستان نیز احساس شد.

۱۳۸۲، بم - ۶/۶ ریشتر

حتی یادآوری زمین‌لرزه بم حسی توأمان از وحشت و غم بر سر آدمی آوار می‌کند. هر چند شدت این زمین‌لرزه نسبت به دیگر زلزله‌های شدید ایران کمتر بود، اما حجم قربانیان آن از بالاترین مرگ و میر انسانی حوادث طبیعی در ایران محسوب می‌شود. حالا نزدیک به دو دهه از آن شب سیاه دی‌ماه ۱۳۸۲ می‌گذرد، شبی که بم با قدرت ۶/۶ دهم ریشتر تنها در فاصله ۱۲ ثانیه فرو ریخت. درباره تعداد مرگ و میر هنوز با گذشت این سال‌ها آمار دقیقی وجود ندارد، برخی این آمار را بیش از ۲۶ هزار نفر می‌دانند و برخی از منابع زمین‌لرزه بم را با حدود ۵۰ هزار کشته سومین زمین‌لرزه مرگبار تاریخ ایران بعد از زمین‌لرزه ۲۷۲ اردبیل و زمین‌لرزه ۲۳۵ دامغان می‌دانند. در اثر این زمین‌لرزه صد درصد از سازه‌های شهر بم به کلی تخریب شدند. ارگ بم که با بیش از ۲۵۰۰ سال قدمت بزرگ‌ترین و قدیمی‌ترین سازه گلی جهان بود، به کلی ویران شد.

زمین می‌لرزد زلزله تمام نمی‌شود

از زلزله معمولا با پیشوند یک‌حادثه طبیعی یاد می‌کنند. به این مفهوم که از وقوع آن حداقل در ایرانی که پر از گسل‌های ریز و درشت است گریزی نیست. وجود زلزله‌های شدید در ایران آن هم در فواصل کوتاه از هم مؤید همین نکته است، اما تخریب و آسیب زلزله تنها محدود به فقدان و سوگ و عزای جمعی در یک بازه زمانی کوتاه نمی‌شود. زمین تنها ۱۰ ثانیه می‌لرزد، جان چند هزار نفر را می‌ستاند و چندده‌هزار نفر را به سوگ می‌نشاند و بی‌خانمان می‌کند. نوعدوستی و وفاق جمعی جامعه ایرانی هم ثابت کرده در چنین بزنگاه‌های تلخی عمرشان کوتاه است و گذرا. هرچند مردم همیشه در مواجهه با چنین چالش‌هایی از دولت و حاکمیت پیشی گرفته‌اند، اما عمر این فعالیت‌ها بسیار کوتاه است و خیلی زود فراموش می‌شود. حالا که اگر برگردیم به روزهای غمین زمستان ۸۲ و روزی که بم تنها در ۱۲ ثانیه فروریخت می‌بینیم وعده بازسازی کامل بم که تابستان ۸۴ ذکر شده بود چقدر به شوخی تلخی می‌ماند. بم در تابستان دو سال پس از آن فاجعه ساخته نشد و هنوز هم بعد از گذشت ۱۷ سال از آن روز سیاه بسیاری از مردمان این شهر با تبعات زلزله آن سال روزگار می‌گذرانند. این رویه اما محدود به بم و زلزله خونبارش نیست و در پاییز ۹۶ وقتی زلزله ۷/۳ ریشتری منطقه ازگله کرمانشاه را لرزاند هم موجی از همدردی و کمک از سوی مردم به راه افتاد. دولت هم طبق همان رویه معمول آغاز به دادن وعده‌های پرطمطراق کرد. دولت حتی چند روز پس از این حادثه اعلام کرد دست‌کم ۷۰ هزار نفر به سرپناه نیاز دارند. یک‌سال پس از این حادثه اما درست در مهر سال بعد فرماندار وقت سرپل ذهاب اعلام کرد ۳۰ درصد مستاجران خانه‌های تخریبی شهری در کرمانشاه در مناطق زلزله‌زده همچنان کف خیابان زندگی می‌کنند و نماینده وقت قصر شیرین هم خبر داد که از ماه جاری آب و برق برای زلزله‌زدگان پولی می‌شود! این قصه هنوز هم بعد از گذشت سه سال ادامه دارد و کانکس‌نشینی زلزله‌زدگان کرمانشاه حالا سه ساله شده است. تناقض عجیب و تلخی است؛ این‌که حالا در همان گردنه «پاتاق» در مسیر کرمانشاه به سرپل ذهاب که در روزهای زلزله در آن ترافیک چند ده کیلومتری کمک‌های مردمی به آوارگان زلزله شکل گرفت جابه‌جا کانکس‌هایی وجود دارد که مردم زلزله‌زده در آن روزگار می‌گذرانند. نه که فکر کنیم کانکس‌نشینی مردمان زلزله‌زده سه سال پیش کرمانشاه تنها در حاشیه شهرها هستند که خیلی‌ها همین وضعیت را در دل خود شهر دارند. پشت فروشگاه شهرداری، خیابان آموزش و پرورش یا مناطقی مانند زعفران، کوییک، پاونار، اطراف مسکن مهر و خیابان فرهنگیان از مناطقی است که مردم به‌ویژه مستأجران، همچنان کانکس‌هایشان را در آنجا برپا کرده‌اند.

حق با شماست

info@jamejamdaily.ir
روابط عمومی: ۲۲۲۶۲۱۴۲

#حقوق-رفتگران
یک‌شهروند:
با وجود سختی کار و شغل طاقت‌فرسای رفتگران، ولی حقوق آنها بسیار ناچیز است و کفاف زندگی پرخرج این روزها را نمی‌دهد.

#منطقه-آزاد
صادقی از بوشهر:
مناطق آزاد کشور به علت عدم نظارت، مکان مناسبی برای قاچاق کالا شده است. بسیاری از اخلالگران اقتصادی به این مناطق ورود پیدا کرده‌اند و به‌راحتی اجناس قاچاق را وارد کشور می‌کنند.

#دلار-وعده
قربانی از تهران:
دولت وعده دلار ۱۱ هزارتومانی در سال ۱۴۰۰ را داده! بهتر است دولت محترم نرخ ارز کنونی را ثابت نگه دارد، کاهش قیمت ارز برای سال آتی پیشکش.

#قیمت-مرغ
خیری از یزد:
قیمت مرغ از ۲۰ تا ۳۵ هزار تومان در هر محله و فروشگاه متغیر است. چرا؟ نرخ رسمی دولت نیز ۱۸ هزار و ۵۰۰ تومان است ولی در میادین شهرداری ۲۰ هزار و ۵۰۰ تومان به فروش می‌رسد.

#بازنشستگان-حقوق
فلاح از تهران:
چرا بین حقوق بازنشستگان کشوری و تأمین اجتماعی تفاوت و تبعیض زیادی وجود دارد؟ شرایط بازنشستگان تأمین اجتماعی اصلاً خوب نیست؛ باید فکری به حال این افراد شود.

#ترافیک-شبانه
موسوی از تهران:
اسمش این است که خودروها بعد از ساعت ۲۱ نباید تردد کنند درحالی‌که بعد از این ساعت تردد می‌کنند، چرا پلیس راهور در این باره کاری نمی‌کند؟

جوابیه

در پی درج پیامی در روز دوشنبه مورخ ۱۳۹۹/۰۹/۲۴ با عنوان «شلوغی-مترو» مشاور مدیرعامل و مدیر ارتباطات و امور بین‌الملل متروی شهر تهران و حومه با ارسال نمابری اعلام کرد: به اطلاع می‌رساند موضوع کمبود واگن و شلوغی مترو و استقبال و ازدحام مسافر و درنتیجه عدم فاصله‌گذاری در واگن‌های مترو به‌خصوص در ساعات پیک مسافری، واقعیتی است که در حال حاضر به دلیل کمبود واگن در شبکه متروی تهران با آن مواجه هستیم و امیدواریم با پرداخت بودجه‌های مصوب توسط دولت، این مشکل تا حدودی برطرف گردد.